Archive of SID

پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی
Journal of Islamic Denominations
سال پنجم، شماره نهم، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص۱۸۱ـ۲۰۰ Vol. 5, No. 9, Spring and Summer 2018

# بررسی تطبیقی حکم فرزندآوری در فقه عامه و امامیه با رویکردی بر مقاصد شریعت

لیلا ثمنی*
سید محسن فتاحی**
طوبی شاکری***

[تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۰۹ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۵/۱۵]

**چکیده**

فرزندآوری در نظام فقه اسلامی، اعم از امامیه و اهل سنت، مطلوب و ضروری است، اما با توجه به اوضاع و احوال کنونی جامعه و تغییرات حکم حکومتی در فرزندآوری و مهار جمعیت، لازم است حکم فرزندآوری و اختلاف میان امامیه و مذاهب اهل تسنن در این باره تبیین شود. در بررسی تطبیقی فرزندآوری می‌بینیم که اهل سنت، هم عالمان قبل از شاطبی همچون ابواسحاق شیرازی، امام‌الحرمین، غزالی، و هم فقیهان بعد از شاطبی، خاصه عالمان معاصر، در استنباطات فقهی و تأملات اجتهادی در نصوص، قائل به احتساب حفظ نسل به عنوان مقاصد شریعت هستند. برخی عالمان امامیه نیز با نظر به هدفمندبودن شریعت و قبول امکان استخراج مقاصد شریعت از اوضاع حالی و مقالی نصوص و با استعانت از بنای عقلا و دیگر طرق به نحو غیرمصرح، فرزندآوری را از مقاصد شریعت می‌دانند. فرزندآوری به عنوان یکی از ساحت‌های تحقق و تعیّن حفظ نسل نزد فقیهان فریقین دارای مصلحت است که اعم از ملزمه و غیرملزمه است. در این پژوهش، علاوه بر تطبیق میان‌مذاهبی رابطه فرزندآوری با مصلحت حفظ نسل به عنوان یکی از مقاصد ضروری شریعت اسلام، به تبیین حکم فرزندآوری ناشی از این ارتباط در ضمن اقوال سه‌گانهٔ اباحه، استحباب و وجوب کفایی، و تأمل در آن می‌پردازیم.

**کلیدواژه‌ها:** فرزندآوری، حفظ نسل، فقه امامیه، فقه مقاصدی.

* استادیار گروه مطالعات زنان، دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول) l.samani@alzahra.ac.ir
** استادیار گروه مطالعات زنان دانشگاه ادیان و مذاهب m.fattahi@urd.ac.ir
*** استادیار گروه مطالعات زنان دانشگاه تربیت مدرس t.shakeri@modares.ac.ir

www.SID.ir

Archive of SID



**مقدمه**

نظر به اینکه خداوند حکیم است و غنیّ، عقل سلیم حکم می‌کند که هم شریعت اسلام هدفمند باشد و هم احکام آن دارای مقاصد و عللی باشد؛ و چون همهٔ شرایع برای تضمین مصالح آنی و آتی بندگان وضع شده‌اند، تعلیل‌پذیری احکام شریعت، اختصاص به اسلام ندارد و شامل همهٔ ادیان می‌شود. نصوص قرآن (بقره: ۱۲۹، ۱۸۳، ۱۵۱ و ۲۱۳؛ آل‌عمران: ۱۶۴؛ مائده: ۹۷؛ اعراف: ۱۵۷؛ انفال: ۲۴؛ توبه: ۱۰۳؛ حدید: ۹ و ۲۵؛ جمعه: ۲؛ عنکبوت: ۴۵) و روایات و متون معتبر شرعی (محمدی ری‌شهری، ۱۴۰۴: ۱۴۲۹/۴ و ۱۴۳۰؛ *نهج‌البلاغه*، خطبه اول) بر هدفمندبودن شریعت اسلام دلالت دارند؛ در تبیین مقاصد و اهداف شریعت اسلام، از همان ابتدا علمایی در میان مذاهب اسلامی ابراز نظر کردند که ثمرهٔ آن، تدوین کتبی مانند *علل الشرائع* صدوق و *مقاصد الشریعة* از امام‌الحرمین جوینی، ابوحامد غزالی، فخرالدین رازی، سیف‌الدین آمدی، ابن‌سبکی، ابن‌تیمیه، شاطبی و دیگران از علمای مذاهب فقهی شد.

از طرفی، تکالیف بندگان در جهت جلب مصالح و دفع مفاسد آنان است. این مصالح نیز سه دسته‌اند: مصالح ضروری، مصالحی که به آن نیاز است، و مصالح کمالیات. در این میان، حفظ نسل به عنوان یکی از مقاصد ضروری شریعت در میان اهل سنت پذیرفته شده، که یکی از ساحت‌های تحقق و تعیّن حفاظت از نسل، فرزندآوری است.

در دیدگاه امامیه، اگرچه مقاصد شریعت به صراحت اهل سنت کمتر مطرح شده است، اما با توجه به تصریح‌نشدن به حکم فرزندآوری، وجود مبانی کشف مقاصد شریعت و با عنایت به منابع امامیه، اعم از دلیل نقلی (آیات و روایات درباره فرزندآوری) و دلایل عقلی، لازم است مسئله فرزندآوری بررسی شود. در فقه امامیه، عقل می‌تواند مصالح و مفاسد مد نظر شارع را درک و داوری کند و حسن و قبح اعمال را بفهمد. لذا با ملازمه میان حکم عقل و حکم شرع، حکم شرعی را ثابت می‌داند (مظفر، ۱۴۱۵: ۲۰۵/۲). از این‌رو با نظر به قاعده «ما حکم به العقل حکم به الشرع» و تبعیت احکام از مصالح و مفاسد که بعضی از اهل سنت (شاطبی، ۱۴۲۵: ۷/۲)[۱] نیز آن را مسلم و قطعی می‌دانند، می‌توان نقاط مشترکی در این موضوع میان مذاهب فقهی یافت. بنابراین، در این پژوهش ضمن بررسی تطبیقی و تبیین امکان تقریب آرای مذاهب فقهی

www.SID.ir

Archive of SID


درباره رابطه فرزندآوری با مقاصد شریعت، حکم فرزندآوری را در نتیجهٔ این ارتباط بررسی می‌کنیم.

## فرزندآوری در آیات

در قرآن کریم، آیات فراوانی درباره فرزند وجود دارد. در تقسیم‌بندی آیات می‌توان آنها را به دو گروه اصلی تقسیم کرد:

گروه اول در مقام بیان مطلوبیت فرزند و تشویق به فرزندآوری است. مانند آیاتی که فرزند را به عنوان زینت زندگی (کهف: ۴۶)، یاری‌رساننده به پدر و مادر (اسراء: ۶)، مایه روشنی دیدگان (فرقان: ۷۴)، نعمت الاهی و متاع دنیا (نحل: ۷۲؛ نوح: ۱۲؛ آل‌عمران: ۱۴؛ مؤمنون: ۵۵؛ شعراء: ۱۳۳؛ انفال: ۲۸) معرفی می‌کند. علاوه بر آن، آیاتی فرزندآوری را از جمله سیره و سنت انبیا (ع) دانسته است؛ آیاتی که به زندگی پیامبرانی همچون زکریا و ابراهیم (ع) اشاره می‌کند از آن جمله است (آل‌عمران: ۳۸؛ انبیاء: ۸۹؛ صافات: ۱۰۰، شعراء: ۸۳؛ انبیاء: ۸۵ و ۸۶). در آیاتی فرزندآوری به عنوان آرزوی پیامبران الاهی و سبب بشارت خداوند بیان شده است. ضمن اینکه فرزند نزد پیامبران الاهی مایهٔ نور و روشنی چشم شمرده شده است (هود: ۷۱؛ حجر: ۵۱-۵۳؛ شوری: ۱۱؛ اعراف: ۱۵؛ انبیاء: ۹۰ و ۱۸۹ و ۱۹۰). به نظر می‌رسد درخواست‌ها و دعاهای مکرر مبنی بر فرزندخواهی، از جانب پیامبری اولوالعزم همچون حضرت ابراهیم (ع) نشان‌دهنده جایگاه مهم فرزندآوری در زندگی انسان، فطری‌بودن فرزندخواهی و نیاز انسان‌ها به فرزندآوری است.

در این گروه، آیاتی که ازدواج را زمینه‌ساز فرزندآوری معرفی کرده است نیز اشاره به مطلوبیت فرزندآوری دارد. مثلاً خداوند می‌فرماید: «نساؤکم حرث لکم فأتوا حرثکم أنّی شئتم» (بقره: ۲۲۳)؛ «زنان شما کشتزار شما هستند، پس از هر جا که خواهید به کشتزار خود درآیید». لذا رازی، در تفاسیر، ذیل آیات ۲۸ و ۲۹ سورهٔ عنکبوت، که درباره قوم لوط است، آورده است که این کار باعث قطع سبیل عادی بر زنان شده و مصلحت بقای نوع بشر را از بین می‌برد.

گروه دوم آیات، در ظاهر به معایب فرزند اشاره دارد. مثلاً گاه فرزند ناصالح به عنوان دشمن پدر و مادر، اسباب هلاکت، عذاب پدر و مادر، تفاخر پدر و مادر غیرمؤمن و مایهٔ تهدید معرفی شده است (تغابن: ۱۴؛ منافقون: ۹؛ توبه: ۵۵؛ حدید: ۲۰؛ احقاف: ۱۷).

www.SID.ir

Archive of SID



این دو دسته آیات، اگرچه در نظر بدوی، متناقض به نظر می‌رسند، اما با کمی تأمل معلوم می‌شود که آنچه به نظر، عیوب فرزندآوری است در واقع هشدار و تذکری برای افراد در مواجهه و تعامل با فرزند است و ارتباطی به اصل فرزندآوری ندارد. لذا این نمونه‌ها توان نفی مطلوبیت فرزندآوری را ندارد؛ و نهایتاً در مقام مذمت افرادی است که از این مطلوب شارع سوءاستفاده کرده و از این طریق به گمراهی کشانده می‌شوند. پس در واقع، فرزندآوری فی‌نفسه مطلوب شارع است که شرایطی نیز دارد.

**فرزندآوری در روایات**

روایات پیامبر (ص) به نقل از کتب امامیه و اهل سنت و نیز روایات ائمه (ع) بر جایگاه والا و اهمیت فرزندآوری در اسلام دلالت دارد.

بعضی روایات فرزندآوری را مایهٔ مباهات پیامبر (ص) دانسته و به آن تشویق می‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۹۶/۱۵؛ کلینی، بی‌تا: ۲/۶ و ۲۵۷/۵؛ خراسانی (نسائی)، ۱۴۰۶: ۵۹۹/۵؛ عمرانی شافعی، ۱۴۲۱: ۱۱۸/۹). روایاتی فرزند را یادگار و جانشین پدر و مادر در دنیا (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۹۶/۱۵) و اعمال نیک فرزندان را سبب آمرزش و نیک‌بختی والدین در حیات اخروی معرفی می‌کند (صدوق، ۱۴۱۳: ۳۰۹/۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۳: ۳۵۹/۲۱). روایات دیگری نیز به ازدواج دعوت می‌کند تا زمینهٔ فرزندآوری مهیا شود و بدین‌وسیله خداوند با فرزندان لا اله الا اللّه‌گو تسبیح شود (مجلسی، ۱۴۱۰: ۲۱۸/۱۰۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۳: ۳/۳). در برخی روایات ازدواج با زنی که فرزندآور است ترجیح داده شده است (صدوق، ۱۳۸۵: ۳۸۷/۳؛ عمرانی شافعی، ۱۴۲۱: ۱۱۸؛ أبی‌داوود، بی‌تا: ۲۲۰/۲؛ سیوطی، بی‌تا: ۵۸۱/۲۰). مثلاً از حضرت علی (ع) نقل شد که می‌فرمایند ازدواج کنید، زیرا پیامبر خدا (ص) بارها فرمودند: «مَن کان یجبُ اَن یتَّبعَ سُنتی فَلیَتَزَوج فإن مِن سُنتی التزویج و اطلُبوا الوَلد فَإنی اکاثر بِکُم الأُمَمِ غَداً»؛ «هر کس دوست دارد که پیرو سنت من باشد باید ازدواج کند. زیرا ازدواج و فرزندآوری سنت من است و من به زیادی امتم در مقابل دیگر امت‌ها مباهات می‌کنم» (کلینی، بی‌تا: ۳/۶؛ تمیمی مغربی، ۱۳۸۵: ۲۱۲/۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۳: ۳۵۶/۲۱؛ صدوق، ۱۳۸۵: ۳۰۹/۳).

درباره اهمیت نکاح و ارتباط آن با فرزندآوری نیز احادیث متعددی در میان مذاهب اسلامی وجود دارد. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «تناکحوا، تکثروا فانی اباهی بکم الامم»

www.SID.ir

Archive of SID


(مجلسی، ۱۴۱۰: ۲۵۹/۱۷)؛ «ازدواج کنید تا زیاد شوید. من به واسطه شما بر امت‌های دیگر مباهات می‌کنم»؛ امام باقر (ع) نیز از قول پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «ما یَمنع المُؤمنَ من ان یَتّخذَ اَهلا لَعلَ اللّه یَرزُقَهُ نسمه تَثقَلُ الارضَ بـلا الـه الا اللّـه» (حـر عـاملی، ۱۴۰۳: ۳/۱۴)؛ «چه چیزی مانع انسان مؤمن می‌شود از آنکه همسری داشته باشد. شاید خداونـد نسلی به او عطا کند که زمین را به ذکر لا اله الا اللّه سنگین کند».

## فرزندآوری در مذهب امامیه

در فقه امامیه، اصل در مسئله فرزندآوری، علی‌القاعده اباحه است. زیرا بـا تکیـه بـر مبانی اصولی در صورتی که شک در اصل تکلیف در شبهه حکمیه باشد، با نظر به ادلـهٔ برائت عقلی و برائت شرعی، حکم به برائت داده می‌شود. امـا فـارغ از ایـن اصـل و بـا رجوع به آیات و روایاتی که به بعضی از آنها اشاره شده، ملاحظه می‌شود کـه شـریعت اسلامی مؤمنان را به فرزندآوری فرا خوانده است و فراوانی، صراحت دلالـی و صـحت سندی بسیاری از این نصوص به حدی است کـه اگـر حجـت معارضـی یافـت نشـود، ممکن است بنا بـه گفتـهٔ بعضـی (خمینـی، ۱۳۸۲: ۲۶) قائـل بـه وجـوب فرزنـدآوری در خانواده‌های مسلمانان شد.

در بررسی آرای فقهای امامیه درباره حکم فرزندآوری، علی‌رغم تصریح به استحباب دعا برای فرزندآوری هنگام جماع، استحباب شیردهی و دیگـر امـور مـرتبط بـا فرزنـد (خمینی، بی‌تا: ۲۱۴/۲ و ۲۷۹) تصریح به استحباب فرزندآوری کمتر دیده مـی‌شـود. بعضـی معاصران به منظور اثبات اسـتحباب نکـاح، بـه روایـات دال بـر مطلوبیـت فرزنـدآوری استدلال می‌کنند و معتقدند نظر به مطلـوب‌بـودن افـزایش افـرادی کـه خـدا را عبـادت می‌کنند و قائل به لا اله الا اللّه هستند، نکاح مستحب است تا زمینـه بـرای فرزنـدآوری مهیا شود (شبیری زنجانی، ۱۳۷۸–۷۹: ۳۵). البته در *وسائل الشیعة* ذیل «أبواب أحکام الأولاد» اولین باب آن «باب استحباب الاستیلاد و تکثیر الأولاد» نام گرفته است (حر عـاملی، ۱۴۰۳: ۹۴/۱۵) و در *بحار الانوار* نیز بحثی با عنوان «باب فضل توسعة العیال و مدح قلـة العیـال» آمده است (مجلسی، ۱۳۹۸: ۶۹/۱۰۱).

در ظاهر نصوص فقه امامیه، فرزنـدآوری حکـم وجـوبی نـدارد؛ بـر همـین اسـاس محققان جواز تحدید نسل از طریق حکم حکومتی یا دخالت دولت را بررسی کرده‌انـد.

www.SID.ir

Archive of SID



برخی هر گونه کنترل و تحدید نسل را مخالف فلسفه اسلام و روح ایمان دانسته و با آن مخالفت کرده‌اند و قاعدتاً دخالت دولت‌ها در این عرصه را نیز دخالتی نابجا و مخالف موازین شرع دانسته‌اند (تهرانی، ۱۴۱۵: ۵۴). برخی دیگر از فقها به دلیل نرخ بالای رشد جمعیت و تنگناهای اقتصادی و رفاهی، با تنظیم خانواده موافق‌اند و معتقدند حکومت‌ها باید در این زمینه برنامه‌ریزی داشته باشند و در صورت لزوم، جامعه را وادار به مهار جمعیت و تنظیم خانواده کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۸۴۰). برخی صاحب‌نظران، تنظیم خانواده را با شرایط و قیودی پذیرفته‌اند، اما حکومت‌ها را مجاز به دخالت و اجبار مردم به تحدید نسل نمی‌دانند (موسوی اردبیلی، ۱۳۹۱: ۸۳۳؛ مدنی تبریزی، ۱۳۷۷: ۷۰۹). با این حال هستند کسانی که فرزندآوری را از اصول اسلام و الزامی می‌دانند (ایازی، ۱۳۷۶: ۳۵).

از طرفی، علی‌رغم اینکه همه اذعان دارند که ازدواج در شریعت اسلام اهداف متعددی را دنبال می‌کند، اما درباره هدف اصلی از نکاح، اقوال متعددی مطرح شده است. بعضی سکونت و آرامش را به علت تصریح قرآن هدف مهم تشریع نکاح شمرده و معتقدند اگر تشریع نکاح مبتنی بر تولیدمثل باشد، تفاوتی میان انسان و حیوان نخواهد بود؛ چراکه حیوانات نیز تولیدمثل می‌کنند تا نسلشان باقی بماند، بدون اینکه به نظام خانواده و مقررات خاص آن پای‌بند باشند (مهریزی، ۱۳۸۲: ۲۱۷-۲۲۰). بعضی دیگر معتقدند فرزندآوری یکی از کارکردهای نکاح ولی مهم‌ترین آنها است (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۷۹).

عده‌ای نیز تنها هدف نکاح را بقای نوع بشر و فرزندآوری می‌دانند. ایشان معتقدند فرونشاندن شهوت، اشتراک در زندگی مادی و تدبیر منزل، خارج از حقیقت ازدواج بوده، بلکه از امور مقدماتی برای فرزندآوری یا از فواید ازدواج محسوب می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۱۷۹/۴). لذا معتقدند مجهزشدن زن و مرد به خصلت‌های زنانگی و مردانگی هدفی جز تولیدمثل و بقای نوع ندارد و به همین دلیل ازدواج بر این حقیقت پایه‌گذاری شده و تمامی احکام ازدواج نیز بر همین حقیقت دور می‌زند (همان: ۲۷۷/۲). در واقع، فرزندآوری علاوه بر اینکه هدف غایی برای تشریع بسیاری از مجعولات شرعی و احکام مربوط به روابط زن و مرد از قبیل احکام رعایت عفت، زناشویی، اختصاص داشتن زوجه به زوج، احکام طلاق، عدّه، اولاد، ارث و غیره است (همان)

www.SID.ir

Archive of SID


منشأ مجعول شرعی واقع‌شدن امور مهم دیگری همچون نسب، مصاهره، رضاع، ارث، وصیت و ... نیز هست، که همهٔ اینها حاکی از اهمیت فرزندآوری و به نحوی اشاره به مطلوبیت در حد لزوم فرزندآوری نزد شارع است.

**فرزندآوری بر مبنای فقه مقاصدی اهل سنت**

فرزندآوری در اهل سنت بر مبنای فقه مقاصدی جایگاه متمایزی دارد. بسیاری از علمای اهل سنت فرزندآوری را به عنوان مصداق بارز حفظ نسل، از مقاصد شریعت می‌دانند؛ و نیز معتقدند شهوت هم برای تحقق این مقصد خلق شده است (غزالی طوسی، بی‌تا: ۲۴/۲). در واقع، ایشان مصالح را به سه قسم ضروریات،[۲] حاجیات[۳] و تحسینیات[۴] تقسیم می‌کنند. سپس مصالح در مرتبه ضروریات را به پنج دسته تقسیم می‌کنند. طبق این پنج مصلحت، هدف و به عبارت دیگر مقصود از شریعت، حفاظت از دین، جان، عقل، نسل و مال مردم است (همو، ۱۴۱۳: ۴۱۶/۱ و ۴۱۷). از سوی دیگر، برای ازدواج پنج فایده در نظر می‌گیرند که عبارت است از: فرزندآوری، مهار شهوت، مدیریت خانواده، افزایش روی‌آوردن به نهاد خانواده و جهاد با نفس به واسطه ادای حقوق همسران؛ و در عین حال، فرزندآوری را به عنوان فایدهٔ اصلی معرفی کرده و معتقدند چون اصل بر لزوم فرزندآوری است، لذا نکاح برای دست‌یابی به آن وضع شده و هدف نهایی از ازدواج بقای نسل انسانی است و شهوت نیز به عنوان محرکی برای فرزندآوری ایجاد شده است تا انگیزه‌ای برای بقای نسل وجود داشته باشد (همو، بی‌تا: ۲۴/۲).

به عبارت دیگر، نکاح، مقصدی اصلی دارد که حفظ نسل است و یک سری مقاصد تبعی دارد که تکمیل‌کنندهٔ مقصد اصلی است (حامد العالم، ۱۴۱۵: ۳۰۴). بنابراین، عیوب قرن و رتق و عنن و خصاء را موجب حق فسخ می‌دانند. چون مانع تحقق مقصود اصلی نکاح، که فرزندآوری است، می‌شود. بر این مطلب مؤیداتی نیز اقامه شده است، مثل اینکه هر عیبی که منجر به از بین رفتن مقصود نکاح شود، موجب فسخ است؛ دیه حشفه که دیهٔ کامل است نیز به جهت مراعات مقصد حفظ نسل است. زیرا در صورت قطع حشفه امکان فرزندآوری منتفی می‌شود، ولی امکان نزدیکی وجود دارد؛ حرمت لواط نیز به دلیل از بین بردن مقصد شرع در فرزندآوری است. لذا مجازات آن از شدیدترین نوع مجازات‌ها است (القیاتی، ۱۴۳۰: ۴۴۹). البته شاید در این استدلال‌ها

www.SID.ir

Archive of SID



مناقشاتی وجود داشته باشد، اما در دیدگاه مقاصدی اهل سنت که علت تشریع نکاح را تأمین مقصد حفظ نسل شارع قلمداد می‌کنند تا حدودی پذیرفتنی است. زیرا هر حکمی درباره مباحث جنسی و نکاح را به مسئله فرزندآوری مرتبط می‌دانند.

غزالی می‌گوید در صورت عمومیت‌یافتن لواط، نسل انسان منقرض می‌شود (غزالی طوسی، بی‌تا: ۲۰/۴؛ رازی، ۱۴۰۱: ۵۹/۱۳ و ۱۱۱/۲۵). لذا می‌گوید مقصود از روابط جنسی، به‌خصوص، و از نکاح، به طور عام، اشباع غریزه نیست، بلکه این قصد در مقابل حفظ نوع انسان از انقراض و حفظ استخلاف، مقصدی تبعی محسوب می‌شود و شهوت برای برانگیختن به تداوم بشر، خلق شده است. بنابراین، شارع، ازدواج را برای تکثیر نسل و تأمین نیاز جامعه بشری به اجتماع حاصل از فرزندآوری، جعل کرده است (ابن‌خلدون، ۱۴۰۸: ۳۴۴).[۵] در این خصوص، بعضی هم در مقام بیان حکم نزدیکی از دبر استدلال کرده‌اند که در صورت نزدیکی از دبر، مقصد زوج از نکاح حاصل می‌شود، اما مقصد شارع از تشریع نکاح معطل می‌ماند و چون مقصد شارع لازم‌الرعایة بوده و در تعارض مقاصد عبد و مولا، مقصد مولا اولویت دارد، نزدیکی از دبر مجاز نیست (عبدالله، بی‌تا: ۴۵-۵۲). لذا هدف از ازدواج در اسلام عبادت خدا و آبادکردن زمین از بندگان و عابدان است (مرسی، ۱۹۹۱: ۴۲). هدف ازدواج اطفاء غریزهٔ جنسی نیست؛ چراکه این عمل میان انسان، حیوان و سایر موجودات مشترک است و بلکه مقصود لغیره است؛ یعنی پاسخ به نیاز جنسی به منظور فرزندآوری، استخلاف و عمارت زمین قرار داده شده است.

سرخسی حنفی عقد نکاح را تأمین‌کننده بسیاری از مصالح دینی و دنیوی می‌داند که از جملهٔ آنها علاوه بر محافظت و حمایت از زنان، حفظ نفس از زنا، تکثیر بندگان خدا و امت رسول خدا و محقق‌کردن زمینهٔ مباهات او است. در ادامه می‌گوید اگرچه مقصود از ازدواج قضای شهوت نیست، بلکه مصالحی است که بیان شد، ولی قضای شهوت را نیز معلق بر ازدواج کرده است تا همه، اعم از عاصی در قضای شهوت و مطیع در اوامر دینی، به آن اقدام کنند (سرخسی، ۱۴۱۴: ۱۹۲/۴-۱۹۳).

به‌علاوه، از اینکه بعضی قوانین در نکاح وجود دارد که در هیچ عقد دیگری وجود ندارد که معلوم می‌شود این شرایط به سبب حفظ مقاصد ازدواج است، لزوم شاهد برای انعقاد عقد نکاح، استحباب اعلان و ولیمهٔ عقد نکاح و دیگر امتیازات این عقد،

www.SID.ir

Archive of SID


دلالت بر اهمیت عقد نکاح دارد و با توجه به اینکه علت تشریع نکاح، فرزندآوری است، پس دلالت بر طلب شارع بر مقصد این عقد دارد که همان فرزندآوری و ایجاد نسل سالم است (الزبیر، ۱۴۱۱: ۱۱۸-۱۳۳).

بنا بر آنچه اجمالاً گذشت، در اکثر کتب مرجع اهل سنت، اعم از فقهی و تفسیری، مقصود و غرض از تشریع نکاح را فرزندآوری دانسته و معتقدند ایجاد نسل برای بقای نوع بشر از طریق پاسخ‌گویی صحیح به میل جنسی است که این پاسخ با ایجاد ارتباط درست مرد با زن از طریق ازدواج است و تشکیل خانواده وسیله‌ای است برای فرزندآوری و ادامه نسل بشری (زیدان، ۱۴۱۳: ۱۱-۱۳). بعضی نیز به طور کلی هدف از خلقت زنان را فرزندآوری می‌دانند، به این بیان که هدف از خلقت زنان آرامش‌یافتن به وسیله آنان است و خداوند محبت را میان آنان قرار می‌دهد نه برای قضای شهوت بلکه به منظور فرزندآوری و افزایش پُرشمارشدن انسان‌ها (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۱/۲۱).

پرسشی که ممکن است مطرح شود اینکه: چطور مسبب، که شهوت است، بر سبب، که فرزندآوری است، مقدم می‌شود؟ یعنی فرزندآوری که سبب خلقت شهوت است، در مقام ایجاد، مؤخر از مسبب خود است؟ اهل سنت پاسخ می‌دهند که زیرا حکمت الاهی چنین اقتضایی دارد که گاه مسببات بر اسباب مترتب شوند تا به این جهت مظهر قدرت الاهی، و حاکی از عجایب خلقت و نشان‌دهندهٔ مشیت و عظمت خداوند باشند.[۶]

ابن‌عاشور نیز چون فرزندآوری را علاوه بر بقای نسل، لازمهٔ بقای خلقت خداوند می‌داند، حفظ نسل را از ضروریاتی می‌داند که هیچ اختلافی میان علما در ضروری‌دانستن آن نیست. از آنجا که نسل همان خلقت افراد نوع بشر است، پس اگر تعطیل شود منجر به از بین رفتن و کم‌شدن نوع بشر می‌شود، همان‌طور که بنا بر بعضی تفاسیر، لوط به قومش گفت: «و تقطعون السبیل» (عنکبوت: ۲۹). پس با توجه به این معنا شکی نیست که حفظ نسل از طریق فرزندآوری، از کلیات شمرده می‌شود، به دلیل اینکه معادل حفظ نفس می‌شود، درنتیجه بعضی امور واجب می‌شود، مثل اینکه مردان از خصی‌شدن محافظت شوند، زنان از برداشتن رحم و سقط جنین منع شوند. جالب اینکه ابن‌عاشور از اینکه فرزندآوری از مقاصد ضروری نکاح و خانواده است، فراتر رفته و آن را از ضروریات جامعهٔ بشری می‌داند و می‌گوید: «زن و شوهر ممکن است بدون فرزندآوری بتوانند به زندگی ادامه دهند، اما قطعاً جامعه بدون فرزندآوری حیاتش

www.SID.ir

Archive of SID



را از دست می‌دهد» (ابن‌عاشور تونسی، ۱۴۲۵: ۳۰۴-۳۰۵) (یعنی از نتایج ضرورت حفظ نسل، وجوب اجتناب از عقیم‌کردن افراد جامعه، اعم از زن و مرد، است که از طریق جراحی‌هایی دستگاه مولد بدن را غیرفعال می‌کنند).

برخی از این حیث که فرزندآوری از مقاصد شریعت است آن را از عبادات شمرده و از چهار حیث آن را موجب تقرب معرفی می‌کنند (القیاتی، ۱۴۳۰: ۴۴۷):

۱. فرزندآوری موجب بقای جنس انسان می‌شود که این امر محبوب شارع است.
۲. فرزندآوری موجب مباهات پیامبر (ص) است. لذا موجب جلب محبت ایشان می‌شود.
۳. با دعای فرزندان و طلب بخشایش برای پدر، حتی بعد از مرگ نیز تقرب به خدا حاصل می‌شود.
۴. اگر فرزند در کودکی و قبل از پدر فوت کند، برای پدرش شفاعت می‌کند.

## فرزندآوری در دیدگاه مقاصدی امامیه

در جمع دیدگاه علمای مذهب امامیه درباره فرزندآوری، نظر به اینکه بسیار کم به موضوع فرزندآوری پرداخته شده، به گونه‌ای که در کمتر کتاب فقهی می‌توان حکم فرزندآوری را به دست آورد، لازم است ابتدا دلیل این مسئله بررسی شود. زیرا ممکن است توجیهاتی وجود داشته باشد. مثلاً ممکن است با توجه به اختصاص عنوان یک باب از *وسائل الشیعة* به استحباب فرزندآوری، فقهای دیگر حکم آن را واضح دانسته و به آن نپرداخته باشند؛ و در واقع، استحباب فرزندآوری را پذیرفته‌شده تلقی کرده باشند. اما به دلایلی این توجیه منطقی به نظر نمی‌رسد: اولاً معلوم نیست عنوان‌گذاری دقیقاً با هدف و قصد بیان حکم فرزندآوری و به قلم نویسنده، مطرح شده باشد. چون هیچ استدلال دیگری در این زمینه وجود ندارد. ثانیاً، پیروی‌نکردن فقهای دیگر در بیان استحباب فرزندآوری، حداقل به صورت عنوان‌دهی، با وجود اینکه در مباحث دیگر ورود داشته‌اند، توجیه مقبولی ندارد. البته اگر از کسی بپرسند حکم فرزندآوری چیست خواهد گفت «مستحب است» اما درباره آن، استدلال فقهی به دست نمی‌آید، مگر ظاهر روایات باب استیلاد؛ اما نظر به اینکه راجع به برخی از این روایات، با استدلالی که خواهد آمد، امکان استفاده لزوم نیز وجود دارد، لازم است همان‌طور که بعضی علمای

www.SID.ir

Archive of SID


معاصر در مقام استدلال راجع به مسائل مستحدثه، مثل تلقیح مصنوعی، به استحباب فرزندآوری استناد می‌کنند، (اشرفی، درس خارج فقه: ۹۲/۲/۱۸) به مبانی و ادله و نحوهٔ استدلال بر استحباب فرزندآوری نیز بپردازند.

توجیه دیگر اینکه، چون در این خصوص میان امامیه و مذاهب اهل سنت اختلافی نبود و با قبول اینکه فقه امامیه در جهت پاسخ‌گویی به فقه اهل سنت تدوین شده، لذا خود مسئله فرزندآوری علی‌رغم تبیین مقدمات و امور پیرامونی‌اش، نیازی به تبیین نداشته است؛ اما این توجیه نیز پذیرفتنی نیست. زیرا در صورت قبول مقدمات استدلال، همچنان که گذشت، اهل سنت راجع به حکم فرزندآوری از استحباب گذر کرده و تا حد الزام پیش رفته‌اند.

گذشته از توجیه برای ذکرنشدن حکم فرزندآوری در فقه امامیه، با نظر به اینکه برخی علمای امامیه، مانند محمدحسین طباطبایی، تنها مقصد شارع از تشریع نکاح را فرزندآوری دانسته‌اند، این صراحت در کنار پذیرش ضمنی فرزندآوری به عنوان یکی از اهداف و کارکردهای نکاح در میان دیگر علمای امامیه، این نتیجه را به دست می‌دهد که می‌توان بر مبنای دیدگاه امامیه نیز به بررسی فرزندآوری به عنوان مقاصد شارع از تشریع نکاح پرداخت.

ممکن است بتوان با توجه به روایات فرزندآوری در جهت لزوم فرزندآوری به بعضی روایاتی که گذشت استناد کرد. مثلاً در بحث روایات گذشت که حضرت رسول (ص) فرموده‌اند: «تناکحوا تناسلوا». با نظر در این روایت و با توجه به حجیت ظواهر و اصالةالظهور، و اینکه ظاهر عبارت به گونه‌ای است که حاکی از وجود ارتباط خاصی میان نکاح و فرزندآوری است، در جهت کشف نوع این ارتباط با مراجعه به مبانی فقهی و اصولی، قاعده‌ای کلی یافت می‌شود، با این مضمون که هر گاه دلیل یا حکمتی در نص وجود داشته باشد و دارای دو مقدمه ذیل باشد، آن دلیل اولاً و بالذات علت محسوب خواهد شد:

۱. ساختار زبانی، بر تعلیل دلالت داشته باشد؛

۲. دلیلی بر خروج آن از تعلیل وجود نداشته باشد.

از باب نمونه، لام تأکید هر گاه در کلامی بیاید، چون ساختار زبانی لام بر تأکید دلالت دارد، در صورتی که دلیلی بر خارج‌کردن لام از سیاق تأکید وجود نداشته باشد،

www.SID.ir

Archive of SID



همچنان بر تأکید دلالت دارد (ایازی، ۱۳۸۶). بنابراین، وقتی رسول اکرم (ص) به اجماع مذاهب پنج‌گانه اسلام، صریحاً می‌فرمایند: «تناکحوا تناسلوا»، با توجه به ظهور کلام که معادل این معنا است که «ازدواج کنید تا فرزنددار شوید»، و از طرفی ساختار زبانی به گونه‌ای است که بر تعلیل نکاح بر فرزندآوری دلالت دارد و علاوه بر آن دلیلی برای خروج آن از تعلیل وجود ندارد، می‌توان رابطهٔ تشریعی یا تکوینی نکاح و فرزندآوری را از نوع علّی و معلولی دانست. در نتیجه فرزندآوری علت نکاح دانسته می‌شود و لذا کسانی که فرزندآوری را یکی از حکمت‌های نکاح دانسته‌اند، بیشتر در مقام بیان آنند که تنها مقصد نکاح، فرزندآوری نیست.

با پذیرش این‌گونه استدلال‌ها که مبانی آن در فقه امامیه موجود است و در نتیجه پذیرش اینکه فرزندآوری در تشریع نکاح به نحو علیت مؤثر است، امامیه به دیدگاه مقاصدی اهل سنت نزدیک شده‌اند و شاید بتوان قائل به همپوشانی مقصد تشریع نکاح میان مذاهب اسلامی شد. آنگاه می‌توان پذیرفت که تکوین غریزهٔ شهوت به جهت حفظ نسل است و در پاسخ به کسانی که معتقدند نکاح بر اساس روایات برای حفظ غریزه شهوت تشریع شده است نه فرزندآوری، می‌توان گفت در بعضی روایات، راه دیگر مهار غریزه شهوت در کنار ازدواج، روزه دانسته شده است (صدوق، بی‌تا: ۷۳/۲).[۷] اما اینکه بتوان از این سخن که «یکی از علل یا کارکردهای روزه، مهار شهوت است» نتیجه گرفت که روزه نیز برای حفظ غریزهٔ جنسی تشریع شده، جای تأمل دارد؛ و گویا مانند این است که گفته شود خوردن برای حفظ انسان از گرسنگی قرار داده شده است و حال آنکه خوردن برای رشد بدن، تقویت، دریافت انرژی و ... است. ممکن است گفته شود اگر غرض از ازدواج را مهار غریزهٔ شهوت در برابر گناه بدانیم مانند آن است که گفته شود غرض از خوردن مال حلال، مهار غریزهٔ خوردن است، و حال آنکه مقصود از غریزهٔ خوردن و آشامیدن، ادامه حیات و حفظ سلامتی جسم است؛ همان‌طور که مقصود از غریزهٔ شهوت و تشریع نکاح، بقای نسل بشر به واسطهٔ فرزندآوری است.

البته ممکن است این ایراد مطرح شود که مقصد نکاح در میان انسان‌ها فرزندآوری نیست و لذا افراد بسیاری که قصد ازدواج دارند، قصد فرزندآوری ندارند و درنتیجه ازدواج عقیم و عقیمه نیز صحیح است. در پاسخ می‌توان گفت، هیچ منافاتی ندارد که

www.SID.ir

Archive of SID


میان مقاصد شریعت و مقاصد انسان‌ها در نکاح تفاوت وجود داشته باشد؛ به این معنا که ممکن است مقاصد شریعت و مقاصد مکلفان در نکاح متفاوت باشد. به این نحو که انسان‌ها به منظور پاسخ شرعی به نیاز جنسی، ازدواج کنند اما هدف خداوند از تشریع نکاح، فرزندآوری باشد. ثانیاً، قبول اینکه مقصد اصلی شارع از تشریع نکاح، فرزندآوری است، منافاتی با صحت نکاح در جاهایی که نکاح به صورت استثنایی منجر به فرزندآوری نمی‌شود، ندارد. به این معنا که هرچند فرزندآوری مقصد اصلی تشریع نکاح است اما نکاح در فرض فقد فرزند، چه با دلیل موجهی مثل عقامت یا با دلیلی غیرموجه مثل تمایل‌نداشتن زوجین به فرزندآوری، صحیح است و مانعی از انعقاد صحیح آن نیست.

پس نتیجه اینکه امکان تطبیق و تقریب میان دیدگاه علمای امامیه و اهل سنت در فرزندآوری وجود دارد، به خصوص با توجه به صراحت‌نداشتن اکثر فقهای امامیه در خصوص حکم، مبانی و استدلال راجع به فرزندآوری، قبول روایات دال بر لزوم فرزندآوری، وجود مبانی استدلال بر لزوم فرزندآوری در مبانی مسلم و پذیرفته‌شده امامیه که در نتیجه همچون اهل سنت، فرزندآوری را علت تشریع نکاح می‌دانند. بنابراین، به دو نکته به عنوان نتایج مهم تطبیق دیدگاه مذاهب درباره فرزندآوری می‌توان اشاره کرد: ۱. تشریع نکاح با تمام احکام و ملحقاتش از نسب و رضاع تا طلاق و میراث، مبتنی بر درک مصلحت فرزندآوری است؛ ۲. رابطهٔ علیت میان فرزندآوری و نکاح، دلالت بر این دارد که نزد امامیه نیز می‌توان با دلایلی فرزندآوری را از مقاصد شریعت دانست.

## حکم تکلیفی فرزندآوری

با توجه به مباحثی که گذشت، ممکن است این مسئله مطرح شود که اگر فرزندآوری از مقاصد شریعت و علت تشریع نکاح باشد، لازم است حکم شرعی آن نیز وجوب باشد و در نتیجه باید نکاح نیز واجب باشد و حتی اگر نکاح هم واجب نباشد، در صورت تحقق نکاح، فرزندآوری باید واجب باشد و چون نه نکاح و نه فرزندآوری هیچ کدام واجب نیستند پس معلوم می‌شود مقصد تشریع نکاح، فرزندآوری نیست.

www.SID.ir

Archive of SID



در این خصوص کسانی که به مسئلهٔ جواز جلوگیری از فرزندآوری یا تحدید نسل پرداخته‌اند، ناگزیر به این نکته اشاره کرده‌اند که چون نکاح و فرزندآوری واجب نیست، با توجه به روایات عزل و روایات فرزندآوری، جلوگیری از فرزندآوری به نحو کلی جایز است و در واقع از طریق نفی وجوب فرزندآوری به اثبات مدعای خود پرداخته‌اند (صادقی، ۱۳۸۳). اما در خور ذکر است که این سه مسئله، یعنی جواز عزل و جلوگیری از فرزندآوری، مقصدیت فرزندآوری برای نکاح و حکم به وجوب نکاح و فرزندآوری، سه مقولهٔ متفاوت است. در واقع، به حکم صریح عقل، هدف شارع در بقای نسل بشر تا روز موعود، جز با فرزندآوری محقق نخواهد شد، اما این مسئله منافاتی با جواز جلوگیری در برخی مواقع ندارد. اما اینکه فرزندآوری از مقاصد تشریع نکاح است و لذا باید الزام شرعی برای تأمین آن وجود داشته باشد، مناقشه‌پذیر است؛ به این بیان که لزومی ندارد شارع برای تأمین هدف، حتماً تکلیف شرعی، جعل کند؛ چراکه ممکن است صرف نظر از جعل تشریعی و فقط با تنظیم تکوین غرض شارع حاصل شود. مثلاً شارع به منظور رسیدن به هدف فرزندآوری، بدون جعل شرعی حکم برای فرزندآوری و فقط با تنظیم نظام تکوین مقصد خود را تأمین کند. به این نحو که در خلقت بشر به طور طبیعی و فطری میل به فرزندآوری را نهادینه کند، به طوری که انسان‌ها فرزندآوری را از لوازم لاینفک زندگی خود بدانند. چنان‌که گفته می‌شود با نظر در وضعیت آفرینش دو جنسِ زن و مرد، هدفی جز تولید مثل و باقی‌گذاشتن نوع انسان منظور نبوده است (عاملی جبعی، ۱۴۱۰: ۱۰۲/۵).

ممکن است گفته شود هرچند پاسخ طبیعی به نیاز جنسی زوجین، فرزندآوری را به دنبال دارد، پس نیازی به جعل حکم شرعی درباره آن وجود ندارد. در پاسخ گفته می‌شود به دنبال آمدن فرزندآوری به طور طبیعی از نکاح، ملازمه‌ای با جعل‌نکردن حکم شرعی برای فرزندآوری ندارد و روش شارع در تحصیل مقاصد خود، وضع احکام تکلیفی و وضعی است. لذا در صورت فقدان حکم الزامی شرعی، کسی خود را ملزم به تأمین مقاصد شارع نمی‌داند، مگر اینکه رفع اضطرار مبتنی بر عمل بر وفق تأمین مقاصد شارع باشد؛ مانند خوردن و آشامیدن که امری طبیعی و در جهت حفظ نفس است ولی گاه و نسبت به میزانی از آن، خوردن و آشامیدن واجب می‌شود.

اما به طور کلی می‌توان درباره حکم فرزندآوری چنین گفت که در نگاه اول به

www.SID.ir

Archive of SID


ظاهرِ آیات و روایات این طور به نظر می‌رسد که تکثیر نسل، عملی بسیار پسندیده و مطلوب شارع است. بنابراین، هر چه انسان بر تعداد فرزندان بیفزاید، رضایت خدا و پیامبر (ص) را تأمین کرده است. به طور طبیعی، این امر مستلزم آن است که انسان هیچ‌گونه تحدیدی را بدون عذر موجه در تولید مثل، اعمال نکند؛ چراکه با اعمال تحدید، عمل مطلوبی را ترک کرده و مرتکب عمل مذمومی شده است. بنابراین، نمی‌توان گفت فرزندآوری از موضوعات منطقةالفراغ محمدباقر صدر است و شارع راجع به آن ساکت است؛ چراکه آیات و روایات بسیاری بر مطلوبیت فرزندآوری دلالت دارد و لذا به نحو مقتضی به مصالح موجود در فرزندآوری اشاره دارد. اما اینکه این مصلحت ملزمه است تا حکم آن وجوب باشد یا غیرملزمه است تا فقط بر استحباب دلالت کند مسئله‌ای است که جای تأمل دارد.

در صورت قول به ارتباط نکاح و فرزندآوری از نوعی که محمدحسین طباطبایی در امامیه و غزالی در اهل سنت به آن قائل‌اند، در صورت وقوع نکاح، مقتضی فرزندآوری موجود شده و در صورت نبود مانع، اعم از طبیعی (عقیم‌بودن) و مشروع (بداخلاق‌بودن زوجه)، مطلوبیت ذاتی فرزندآوری نزد شارع، اقتضای الزام و وجوب فرزندآوری را دارد، مگر اینکه دلیلی بر غیرالزامی‌بودن آن اقامه شود. اما بر فرض قول به وجوب، قطعاً وجوب عینی به عنوان حکم اولی پذیرفتنی نیست و در صورت قول به وجوب، وجوب کفایی خواهد بود.

ممکن است چنین استدلال شود که در فرزندآوری، وجوب کفایی، عقلی است. زیرا اگر همه بخواهند از ازدواج و فرزندآوری به دلیل غیرالزامی‌بودن و استحبابی‌بودن آن سرباز زنند، هدف شارع معطل می‌ماند که در این صورت حتی نظام کشور به خطر می‌افتد، چه رسد به نظام آفرینش. از همین‌رو است که خداوند قوم لوط را که کردارشان منجر به تعطیلی ادامهٔ نسل بشر می‌شد مذمت، و از صحنهٔ روزگار محوشان کرد تا هم این فعل که مخالف مقصد شریعت است از میان جوامع بشری ریشه‌کن شود و شیوع نیابد، و هم عبرتی باشد برای دیگران که غریزه شهوت را از راه مشروع پاسخ دهند.

به عبارت دیگر، به دلیل آیات و روایاتی مانند «تناکحوا تناسلوا» که ظهور در امر دارند و به حکم عقل، امر به فرزندآوری، امری کلی است که یک غرض دارد و غرض

www.SID.ir

Archive of SID



آن حفظ نسل بشر است. این امر به گونه‌ای است که اگر همه انجام ندهند، همه عقاب می‌شوند؛ چراکه مطلوب شارع را که بر مبنای تواتر معنوی آیات و روایات ثابت شده بود (یعنی فرزندآوری به منظور بقای نسل بشر) ترک کرده‌اند؛ و اگر همه انجام دهند همه ثواب می‌برند و اگر عده‌ای انجام دهند به نحوی که غرض شارع از آن الزام و امر که در اینجا حفظ نسل است، حاصل شود، امر از بقیه ساقط شده و همین امتثال بعضی کفایت می‌کند.

**نتیجه**

در میان علمای اهل سنت، همهٔ کسانی که در باب مقاصد اظهار نظر کرده‌اند، از امام‌الحرمین و غزالی تا کنون، با هر طریق استنباطی و دلیل اجتهادی، در مقصدشمردن حفظ نسل، صراحت دارند. از طرفی، در امامیه نیز با توجه به جایگاه والای فرزندآوری برگرفته از نصوص قرآن و روایات معتبر، و با قبول اینکه علت تشریع نکاح و هدف غایی برای تشریع بسیاری از مجعولات شرعی، حمایت از فرزندآوری به نحو مشروع و صحیح است، مصلحت حفظ نسل، پذیرفته شده و از مقاصد شریعت محسوب می‌شود. لذا در این مسئله میان امامیه و مذاهب اهل سنت تقارب آرا وجود دارد.

اما درباره حکم فرزندآوری از دیدگاه مذاهب فقهی می‌توان دو دیدگاه کلی مطرح کرد:

دیدگاه اول اینکه، فرزندآوری در درجه‌ای از اهمیت است و چنان جایگاه ویژه‌ای دارد که شارع به منظور تأمین این هدف، نکاح و تمام احکام پیرامون آن را جعل کرده است، ولی از طرف دیگر، اقدام به نکاح و فرزندآوری را بر افراد بشر واجب نکرده و راجع به موقعیت حکمی (اعم از استحباب و وجوب) فرزندآوری، قائل به منطقةالفراغ بوده است؛ چراکه به جای الزام شرعی، گونه‌ای الزام تکوینی و فطری را پشتوانهٔ تحقق غایت، مقرر فرموده است. به بیان دیگر، هرچند لازمهٔ مهمل‌داشتن و موضوعیت پیدا کردن شریعت، وجود مخلوقات است و وجود مخلوقات مستلزم فرزندآوری است، و فرزندآوری فقط از طریق وقوع صحیح نکاح میان زن و مرد امکان دارد، اما شایسته نیست که ازدواج و حتی فرزندآوری بر افراد واجب شود، بلکه با تدابیر حکیمانه‌اش مقدمات الزام تکوینی را مهیا کرده است. تکوین غریزهٔ جنسی، تمایل به جنس مخالف

www.SID.ir

Archive of SID


و ایجاد رابطه، و ترتب اثر غالبی ایجاد رابطه به امر تولیدمثل، تمایل روحی و روانی زن و مرد به فرزندآوری و مقررکردن حس مادری، تکوین بدن زن به عنوان دستگاه مولد فرزند و بسیاری از این امور تکوینی، همگی ضمانت اجرایی بر تحقق هدف غایی هستند، به گونه‌ای که حتی وجوب شرعی فرزندآوری نیز نمی‌تواند در تحقق بقای نسل با آن مقابله کند.

دیدگاه دوم اینکه، فرزندآوری به عنوان یکی از بارزترین و بلکه مصداق اکمل تأمین مقصد حفظ نسل که مقصدی پذیرفته‌شده و قطعی در میان تمام مذاهب اسلامی است، از ضروریات شریعت است و مسلوبه‌بودن مصلحت آن با توجه به فراوانی نصوص دال بر مطلوبیت آن، پذیرفتنی نیست. بنابراین، اگرچه طرق کشف مقاصد شریعت میان مذاهب محل اختلاف واقع شود و برخی از علما قائل به حصر مقاصد باشند و برخی دیگر منکر هر گونه انحصاری در این خصوص باشند، درباره فرزندآوری، اهمیت، ضرورت و مقتضی‌بودن رعایت مصلحت بشر به نحو عام و به نحو خاص، اجماع دارند. لذا لزوم فرزندآوری از نقاط مشترک میان مذاهب خمسهٔ اسلامی است. این لزوم از ظهور امر در روایاتی از قبیل «تناکحوا تناسلوا» قابل تحصیل است که ظهور در وجوب دارد، ولی قطعاً این وجوب نمی‌تواند عینی باشد، ولی در کفایی‌بودن آن با توجه به لزوم تأمین مقاصد شارع، محذوری متصور نیست و لازمهٔ آن این است که زوجین مانع فرزندآوری نشوند، مگر اینکه دلیل موجه و مشروعی داشته باشند، که به نظر می‌رسد اهل سنت قائل به این دیدگاه‌اند. لذا در عزل و جلوگیری با وجود شرایطی قائل به جواز آن هستند. از طرفی ممکن است قائل به مصلحت غیرالزامی برای فرزندآوری باشند که عناوین استحباب استیلاد به آن اشاره دارد، اما شایان ذکر است که جعل حکم استحباب برای فرزندآوری نمی‌تواند ضمانت اجرایی برای تأمین مقصد حفظ نسل به عنوان یکی از مقاصد مهم شریعت محسوب شود. مگر اینکه طبق دیدگاه اول، ضمانت اجرا را تکوینی بدانیم و فقط حکم استحباب را ناظر به عاملی برای تشویق و ترغیب به فرزندآوری لحاظ کنیم.

## پی‌نوشت‌ها

۱. «أَنَّ وَضْعَ الشَّرَائِعِ إِنَّمَا هُوَ لِمَصَالِحِ الْعِبَادِ فِی الْعَاجِلِ وَالْآجِلِ مَعًا».

www.SID.ir

Archive of SID



۲. «مالابدّ منها فی قیام مصالح الدین والدنیا». منظور از ضروریات مصالح لازم و حتمی است.
۳. «منظور از حاجیات اموری است که برای توسعه و رفع ضیق و حرج به آنها احتیاج است، لکن به درجه ضروریات نمی‌رسد».
٤. «الاخذ بما یلیق من محاسن العادات و تجنب احوال المدنسات التی تانفها العقول الراجحات»؛ منظور از تحسینیات چیزهایی است که از محاسن عادات و مکمل حاجیات و ضروریات است که عقل آن را می‌پذیرد و شرط کمال بنده می‌شمارد.
۵. «یعلل الحکمة من الزواج بالتعمیر و ذلک أن تشیید المدن إنما یحصل باجتماع الفعلة و کثرتهم و تعاونهم».
٦. «و لکن الحکمة اقتضت ترتیب المسببات علی الأسباب مع الاستغناء عنها إظهاراً للقدرة و إتماماً لعجائب الصنعة و تحقیقاً لما سبقت به المشیئة و حقت به الکلمة و جری به القلم».
۷. ۱۷۶۷ ـ و کتب أبو الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام إلی محمد بن سنان فیما کتب من جواب مسائله: «علة الصوم لعرفان مس الجوع والعطش لیکون ذلیلا مستکینا مأجورا محتسبا صابرا، و یکون ذلک دلیلا له علی شدائد الآخرة، مع ما فیه من الانکسار له عن الشهوات، واعظا له فی العاجل، دلیلا علی الآجل لیعلم شدة مبلغ ذلک من أهل الفقر والمسکنة فی الدنیا والآخرة».

## منابع


*قرآن کریم*.

*نهج‌البلاغه*.

آلوسی، محمود بن عبداللّه (۱۴۱۵). *روح المعانی فی تفسیر القران العظیم والسبع المثانی*، المحقق: علی عبد الباری عطیه، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولی.

ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۸۵). *من لا یحضره الفقیه*، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ج۳.

ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد (۱۴۰۸). *تاریخ ابن خلدون*، المحقق: خلیل شحادة، بیروت: دار الفکر، الطبعة الثانیة.

ابن عاشور تونسی، محمد طاهر بن محمد (۱۴۲۵). *مقاصد الشریعة الاسلامیة*، محقق: محمد حبیب ابن خوجه، قطر: وزارة الاوقاف والشؤون الاسلامیة.

أبی داوود سجستانی، سلیمان بن الأشعث (بی‌تا). *سنن أبی داود*، بیروت: المکتبة العصریة.

ایازی، محمدعلی (۱۳۷۶). *اسلام و تنظیم خانواده*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.

ایازی، محمدعلی (۱۳۸۶). *ملاکات احکام و شیوه‌های استکشاف آن*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

تمیمی مغربی، نعمان بن محمد (۱۳۸۵). *دعائم الاسلام*، قم: مؤسسه آل البیت (ع)، چاپ دوم، ج۲.

تهرانی، سید محمدحسین (۱۴۱۵). *کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین*، تهران: حکمت.

حامد العالم، یوسف (۱۴۱۵). *المقاصد العامة للشریعة الاسلامیة*، ریاض: دار العالمیة للکتاب الاسلامی.


www.SID.ir

Archive of SID


حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳). *وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة*، محقق: مؤسسه آل البیت (ع)، قم: احیاء التراث، ج۳.
حکمت‌نیا، محمود (۱۳۹۰). *حقوق زن و خانواده*، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
خراسانی (نسائی)، أحمد بن شعیب (۱۴۰۶). *السنن الصغری للنسائی*، حلب: مکتب المطبوعات الاسلامیة، الطبعة الثانیة، ج۱، ۵ و ۶.
خمینی، روح‌اللّه (بی‌تا). *تحریر الوسیلة*، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ج۲.
خمینی، سید حسن (۱۳۸۲). *مبانی فقهی تنظیم خانواده*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، چاپ اول.
رازی، محمد بن عمر (۱۴۰۱). *تفسیر الرازی*، قم: دار الفکر، ج۱۳، ۲۵.
زبیر، الزین یعقوب (۱۴۱۱). *موقف الشریعة الاسلامیة من تنظیم النسل*، بیروت: دار الجیل.
زیدان، عبد الکریم (۱۴۱۳). *احکام المرأة والبیت المسلم فی الشریعة الاسلامیة*، بیروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الاولی، ج۷.
سرخسی، محمد بن احمد (۱۴۱۴). *المبسوط*، بیروت: دار المعرفة، ج۴.
سیوطی، جلال الدین (بی‌تا). *جامع الاحادیث*، مصر: بی‌نا.
شاطبی، ابراهیم بن موسی (۱۴۲۵). *الموافقات فی اصول الشریعة*، محقق: عبداللّه دراز، بیروت: دار الکتب العلمیة.
شبیری زنجانی، سید موسی (۱۳۷۸-۱۳۷۹). *کتاب النکاح: تقریرات درس خارج فقه*، قم: مؤسسه پژوهشی رأی‌پرداز، ج۴.
صادقی، مریم (۱۳۸۳). «تنظیم خانواده»، در: *فقه و حقوق خانواده*، ش۳۶، ص۱۵۳-۱۸۱.
طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۱). *المیزان فی التفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسة الاعلمی، ج۲، ۴، ۸.
عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰). *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، قم: داوری، چاپ اول، ج۵.
عبداللّه، فهد (بی‌تا). *المختصر فی فقه الحقوق الزوجیة*، بی‌جا: بی‌نا (از نرم‌افزار مکتبة الشاملة).
عمرانی شافعی، یحیی بن ابی الخیر بن سالم (۱۴۲۱). *البیان فی مذهب الامام الشافعی*، جده: دار المنهاج، الطبعة الاولی، ج۹.
غزالی طوسی، ابو حامد محمد بن محمد (۱۴۱۳). *المستصفی*، تحقیق: محمد عبدالسلام عبد الشافی، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولی، جزء اول.
غزالی طوسی، أبو حامد محمد بن محمد (بی‌تا). *احیاء علوم الدین*، بیروت: دار المعرفة، ج۲ و ۴.
القیاتی، محمد احمد (۱۴۳۰). *مقاصد الشریعة عند الامام مالک بین النظریة والتطبیق*، مصر: دار السلام، الطبعة الاولی.
کلینی، محمد بن یعقوب (بی‌تا). *الفروع من الکافی*، بی‌جا: بی‌نا، ج۶.
مجلسی، محمد باقر (۱۳۹۸). *بحار الانوار*، قم: مکتبة الاسلامیة.
www.SID.ir

Archive of SID



مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۱۰). *بحار الانوار الجامعة لِدُرَرِ اخبار الائمّة الاطهار*، بیروت: مؤسسة الطبع والنشر، الطبعة الاولی.
محمدی ری‌شهری، محمد (۱۴۰۴). *میزان الحکمة*، قم: دار الحدیث، ج۴.
مدنی تبریزی، یوسف (۱۳۷۷). *توضیح المسائل*، بی‌جا: بی‌نا.
مرسی، کمال ابراهیم (۱۹۹۱). *العلاقة الزوجیة والصحة النفسیة*، کویت: دار القلم، الطبعة الاولی.
مظفر، محمدرضا (۱۴۱۵). *أصول الفقه*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعة الثانیة.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). *مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی*، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی مشهد.
موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۳۹۱). *رساله توضیح المسائل*، اصفهان: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (ع).
مهریزی، مهدی (۱۳۸۲). *شخصیت و حقوق زن در اسلام*، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ سوم.

www.SID.ir